



دفاع از رئالیسم و بازسازی آن هدف مشترک جان سرل و علامه طباطبایی(ره) است

یک پژوهشگر حوزه دین و فلسفه گفت: دغدغه جان سرل و علامه طباطبایی(ره) در طرح نظریه واقعیت اجتماعی و اعتباریات، رئالیسم و دفاع از آن بود...

پژوهشگر حوزه دین و فلسفه:

دفاع از رئالیسم و بازسازی آن هدف مشترک جان سرل و علامه طباطبایی(ره) است. یک پژوهشگر حوزه دین و فلسفه گفت: دغدغه جان سرل و علامه طباطبایی(ره) در طرح نظریه واقعیت اجتماعی و اعتباریات، رئالیسم و دفاع از آن بود، زیرا جریان‌های رایج در قرن بیستم رئالیسم را تضعیف کردند و بنابراین هر دوی آن‌ها مشغول بازسازی مجدد رئالیسم شدند. به گزارش خبرنگار مهر نشست بررسی کتاب «#171واقعیت اجتماعی و اعتباریات از دیدگاه علامه طباطبایی و جان سرل»؛ نوشته منصوره اولیایی عصر یکشنبه 20 اسفند در انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شد.

منصوره اولیایی به عنوان نخستین سخنران درباره کتابش گفت: از نظر علامه طباطبایی فرآیند تولید اعتبار اجتماعی تابع اجتماع است و اعتباریات اجتماعی متناسب با اهداف اجتماعی تولید می‌شوند. در واقع از نظر علامه این اعتباریات لازمه پیشرفت بشری است، زیرا تولید انگیزش و قدرت می‌کنند.

وی سپس به مقایسه اجمالی علامه طباطبایی و جان سرل پرداخت و گفت: سرل رویکرد طبیعت‌گرایی و زبان‌شناسی دارد اما علامه طباطبایی از مساله جوهری در فلسفه اسلامی متأثر است.

این نویسنده سیطره نگاه رئالیستی و دفاع از رئالیسم را نقطه مشترک میان سرل و علامه طباطبایی دانست و گفت: به زعم علامه نخستین پله در ساخت واقعیت اجتماعی زبان است. او بسیار به جنبه اجتماعی زبان توجه دارد البته قاعده اعتبار، زبانی نیست بلکه ادراک ذهنی است اما به این دلیل که در اجتماع ادراک می‌کنیم و در این ادراک نیاز به تفهیم و تفهم داریم زبان وارد گود می‌شود.

اولیایی ادامه داد: هر دوی این اندیشمندان حیوانات را دارای واقعیت اجتماعی و موجوداتی اعتبارساز می‌دانند. علامه در سیر تولید واقعیت اجتماعی معتقد به سلسله مراتب است بر این اساس که معانی و مفاهیم اجتماعی مانند آجرهایی هستند که روی هم گذاشته شده و ساخته شده‌اند. اما سرل چنین سلسله مراتبی را قایل نیست.

وی یادآوری کرد: علامه یک قاعده کلی تحت عنوان اعتبار برای عمل انسانی می‌دهد که سرل آن را واقعیت اجتماعی می‌نامد. علامه طباطبایی سلسله مراتب شکل‌گیری واقعیت اجتماعی را بهتر از سرل بیان کرده است.

سپس محمدمبین قانع‌راد رییس انجمن جامعه‌شناسی ایران نیز در این نشست گفت: سرل یکی از پیشگامان فلسفه جامعه است. این فلسفه با فلسفه جامعه‌شناسی متفاوت است و به دنبال اصل بنیادینی است که جامعه را تشکیل می‌دهد و آن را حفظ می‌کند. در واقع فلسفه جامعه به دنبال مکانیزم واحدی است که جامعه بر مبنای آن شکل می‌گیرد. این مکانیزم را می‌توان در سایر موارد نیز یافت. برای مثال در علم شیمی به دنبال واحدی می‌گردند که مواد را تشکیل می‌دهد.

وی افزود: بر اساس همین فلسفه جامعه، سرل تنها یک اصل بنیادین برای جامعه قایل می‌شود و این با روش علامه متفاوت است. علامه مفهومی با عنوان «#171اعتباریات شرعی» مطرح می‌کند و جامعه را تنها بر مبنای اعتباریات اجتماعی می‌داند.

قانع‌راد ادامه داد: علامه مجموعه‌ای از اعتباریات اجتماعی مانند خوب و بد را برمی‌شمارد که پیش از اجتماع بوده‌اند و زبان را نیز از اعتباریات بعد از جامعه می‌داند. همین تفکیک‌ها مانع از رسیدن به فلسفه جامعه می‌شود.

وی با اشاره به اعتباریات غیراجتماعی از منظر علامه طباطبایی گفت: این اعتباریات غیراجتماعی که علامه برمی‌شمارد از کجا می‌آیند؟ وی مجموعه‌ای از اعتباریات را برمی‌شمارد که فرازمینی و فرازبانی هستند. آیا علامه در اینجا از فلسفه جامعه فاصله نمی‌گیرد؟ اساسا چگونه می‌توان گفت که خوبی و بدی هیچ نوع اعتبار اجتماعی نیستند؟ تعریف‌های علامه از اعتباریات می‌تواند بر فقه و شرع ما تاثیر داشته باشد.

رییس انجمن جامعه‌شناسی ایران با بیان این‌که علامه طباطبایی شریات را یک امر حقیقی می‌داند که ارتباطی با جامعه ندارد، گفت: هر چیز مقدسی آیا توسط یک بر ساخت، مقدس می‌شود یا تقدس آن حقیقی است؟ آیا بنا بر اعتبار مذهبی این تقدس وجود دارد یا

وی افزود: خداوند در قرآن به پیامبران می‌فرماید که با زبان هر قوم با آن قوم سخن بگو و این زبان قطعا فرهنگی و متناسب با جامعه آن زمان است. با این اوصاف می‌توان گفت که پیامبر اکرم(ص) موارد زکات را بر اساس جامعه آن دوره عربستان تعیین کردند و اگر اسلام در سرزمین‌های اسکان دیناوی ظهور می‌کرد بر ماهی زکات گذاشته می‌شد. با تفاسیری که علامه از اعتبار اجتماعی ارایه می‌دهد و اعتباریات شرعی را از آن جدا می‌داند، مواردی مانند این که زکات چگونه اعتبار اجتماعی پرسش‌هایی را به ذهن می‌آورند و می‌یابند قابلیت بررسی پیدا می‌کنند.

سپس حجت‌الاسلام علیرضا قائمی‌نیا گفت: علامه طباطبایی نظریات اعتبارات را در مواجهه با دو جریان مهم فلسفه غرب به عنوان یک نظریه معرفت‌شناسی مطرح کرد. او اعتباریات را یک نوع ادراک می‌داند و معتقد است ما یک نوع از اعتباریات داریم که عقل‌گراها در غرب و دنیای اسلام به آن توجه نکرده‌اند.

این نویسنده با بیان این که علامه طباطبایی اعتباریات را در نقد تجربه‌گرایی مطرح کرد، گفت: او در مقام نقد این جریان این نظریه معرفت‌شناختی را مطرح کرد که ادراکات ما دو دسته‌اند؛ برخی حقیقی و برخی اعتباری هستند، ایده‌ای که می‌تواند فلسفه را متحول کند.

وی یادآوری کرد: اعتباریات معانی گوناگون دارند و آن اعتباریات مد نظر علامه از نوع ادراکات حقیقی نیستند. او اعتباریات را به قبل و بعد از اجتماع تقسیم می‌کند و مقصودش این است که مواردی مانند وجوب و حسن و قبح مجموعه‌ای از واقعیت‌ها هستند که ما از حیث این که اجتماعی هستیم آن‌ها را درک نمی‌کنیم. یعنی هرچند در جامعه درک می‌شوند اما عقل اجتماعی آن‌ها را درک نمی‌کند.

قائمی‌نیا افزود: سرل فیلسوف تحلیلی است و به همین دلیل مساله اصلی او در بحث واقعیت اجتماعی، زبان است. او با توجه به سنت تحلیلی مثلی را ارایه می‌دهد که یک ضلع آن زبان، ضلع دیگر آن مساله واقعیت اجتماعی و ضلع سوم آن مساله ذهن است که وارد نقد علم شناختی می‌شود.

وی با اشاره به تناسب نظریات سرل با جامعه معاصرش گفت: زمینه اجتماعی که سرل عقایدش را در آن بیان می‌کند واقعیت اجتماعی همان زمان است. در آن دوران دیدگاه ساختی‌گرایی رایج بود.

قائمی‌نیا با بیان این که سرل با اتکا به سنت تحلیلی می‌کوشد از نوعی رئالیسم دفاع کند، گفت: تفاوت مهم سرل و علامه این است که سرل سرشت زبانی به واقعیت اجتماعی می‌دهد اما علامه سرشت ادراکی را برای آن در نظر می‌گیرد. سرل اعتباریات را معلول زبان می‌داند و با توجه به سرشت زبانی واقعیت اجتماعی می‌خواهد به نحوی از واقعیت اجتماعی دفاع کند.

وی افزود: به زعم علامه اعتباریات ریشه در واقعیات و حقیقت دارد بنابراین اعتباریات نیز به نحوی به حقیقیات برمی‌گردند. دغدغه هر دو فیلسوف رئالیسم و دفاع مجدد از آن بود، زیرا جریان‌های رایج در قرن بیستم رئالیسم را تضعیف کردند و به یک معنا هر دوی آن‌ها مشغول بازسازی مجدد رئالیسم شدند.

این پژوهشگر به اعتبار زکات در جوامع مختلف از نظر علامه اشاره کرد و گفت: از نظر علامه خداوند امر به پرداخت زکات می‌کند و این اعتبار به یک حقیقت بازمی‌گردد. علامه با خود حکم زکات کار دارد و حکم را یک نوع اعتباریات می‌داند که به یک حقیقت برمی‌گردد. علامه نظری درباره اجتماعی بودن این اعتباریات ندارد اما شهید صدر بحث اجتماعی بودن فقه را مطرح کرد.